

حوزه حدیثی شیعیان در بغداد از تأسیس تا پایان سده سوم هجری

نصرت نیل ساز*
ابوالفضل رجائی فرد**

چکیده

آگاهی از تاریخ اندیشه‌ها هر محقق را ناگزیر رهسپار کانون‌های زایش آن تفکر می‌کند. بنابراین بی‌جویی از تاریخ تفکر و سیر اندیشه شیعی نیز نیازمند آشنایی و واکاوی حوزه‌های اندیشه‌ساز آن است. در این میان، حوزه حدیثی شیعیان در بغداد در تولید علم و عالم‌پروری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. در پژوهش حاضر، تأسیس این حوزه و مراحل بالندگی آن تا انتهای سده سوم و نیز عملکرد حوزه بغداد در سه عرصه علم‌آموزی، تألیف آثار و انتقال مکتوبات گذشتگان بررسی، تبیین و تحلیل می‌شود. بر اساس یافته‌های این پژوهش، پیشینه حرکت علمی شیعیان بغداد اغلب به عالمان محله کرخ در عصر صادقین علیهم‌السلام می‌رسد. تلاش علمی این گروه و جمعی از مهاجران کوفی در دوران تأسیس شهر بغداد به دلیل فقدان ظرفیت علمی لازم و شرایط سخت سیاسی به تأسیس حوزه بغداد انجامید. این حوزه از زمان تأسیس تا انتهای قرن سوم سه مرحله را گذراند. مرحله نخست (دوران مهاجران)، حوزه بغداد به وسیله عالمان مهاجر کوفی پایه‌گذاری شد. مرحله دوم (دوران بومیان)، شکوفایی این حوزه به دست عالمان بومی‌اش بود و حتی دوران خفقان متوکل نتوانست روند رو به رشد آن را متوقف سازد. مرحله سوم (عصر غیبت صغری)، تلاطم‌های عقیدتی مانع پویایی این حوزه به واسطه فعالیت عالمان بغدادی و رحله‌های علمی نشد. تجربه دو نمای متفاوت از علم‌آموزی، پرتألیفی، جامع‌نگاری‌های متعدد و پیش‌تازی در نگارش برخی تک‌نگاری‌ها - که بررسی اعتبار این آثار نشانگر منزلت والای حوزه بغداد است - و انتقال گسترده میراث معتبر و کهن ثقات متقدم شیعه، گزارشی از عملکرد حوزه حدیثی بغداد است.

کلیدواژه‌ها: حوزه حدیثی بغداد، مهاجران کوفی، بومیان بغداد، علم‌آموزی، نگاه‌های علمی، انتقال میراث گذشتگان.

* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس / Nilsaz@modares.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، نویسنده مسئول / arajaei@chmail.ir

۱. طرح مسئله

کاوش در خصوص تاریخ اندیشه و سیر تطور آن در ادیان و مذاهب مختلف، ناگزیر هر محقق و پژوهشگری را به زادگاه و محل نشو و نمای آن رهنمون می‌سازد؛ زیرا مرکز تولید فکر و محل بازتاب اندیشه‌های گوناگون کانون‌های زایش علوم هستند. از این رو، توجه اصلی و حداکثری به مراکز رویش و تعالی فکری و علمی در جهت کنکاش دقیق تاریخ تفکر هر دین و نحله فکری، از اهمیت بسیاری برخوردار است. با توجه به این مطلب، برای پی‌جویی تاریخ اندیشه و تفکر شیعی نیز می‌بایست حوزه‌های اندیشه‌ساز و عالم‌پرور شیعه را مورد تفحص و کندوکاو قرار داد تا از رهگذر آن با روند تحول افکار، تضارب اندیشه‌ها، سیر تعالی و بالندگی علوم در عرصه‌های مختلف و همچنین میزان تعامل و اثرگذاری مراکز علمی بر یکدیگر آشنا شویم. یکی از حوزه‌هایی که در سیر تفکر شیعه در زمینه‌های مختلف در ایجاد، بالندگی و ارتقای علوم نقش بسزایی ایفا نموده، حوزه حدیثی شیعیان در بغداد است. با توجه به اینکه نقش آفرینی این حوزه در سده چهارم و پنجم هجری به اوج خود رسیده، در پژوهش‌های اخیر، بیشتر به حوزه بغداد در این بازه زمانی توجه شده است. پژوهش حاضر با تمرکز بر بررسی و تبیین نقش و جایگاه این مکتب حدیثی در تاریخ اندیشه شیعی در سه سده نخست در مقام پاسخ‌گویی به این سؤالات است: ۱. حرکت علمی شیعیان بغداد از چه پیشینه‌ای برخوردار است؟ ۲. حوزه حدیثی شیعیان در بغداد از چه دوره‌ای بنیان گذارده شد و در مسیر شکل‌گیری و بالندگی‌اش تا پایان سده سوم چه مراحل را طی نمود و هر مرحله از چه ویژگی‌هایی برخوردار بود؟ ۳. ساحت‌های نقش آفرینی عالمان حوزه بغداد تا انتهای قرن سوم کدام است و عملکرد آنان در هر بخش چگونه بوده است؟

درباره پیشینه این موضوع باید گفت در کتاب‌های پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه (معارف، ۱۳۷۴)، تاریخ حدیث شیعه (طباطبایی، ۱۳۹۰ق) و مقاله «حوزه‌های کم‌شناخته‌شده و متقدم حدیث و معارف در عراق، شام و مصر» (پاکتچی، ۱۳۹۱) در رابطه با حوزه حدیثی بغداد در سه قرن اول، مطالبی به‌اجمال آمده است. مقاله «تعامل مکتب حدیثی بغداد و ری» (نریمانی و فیروزمندی، ۱۳۸۶) به این دوره زمانی از حوزه

بغداد اشاره‌ای ندارد. تنها در دو مقاله «بررسی حوزه حدیثی شیعه بغداد در سه سده نخستین» (تفضلی و رحیم‌پور ازغدی، ۱۳۸۸) و «مدرسه حدیثی امامیه در بغداد در عصر حضور» (موسوی تنیانی، ۱۳۹۴) به دوران پیش از عصر طلایی حوزه بغداد در سده چهارم و پنجم پرداخته شده است. در مقاله نخست، فقط به علل روی‌آوری تشیع به بغداد اشاره و دلایلی ذکر شده و در ادامه صرفاً به معرفی رجالی شخصیت‌های اثرگذار حوزه بغداد در این برهه اکتفا شده است. در مقاله دوم نیز در ابتدا به مسئله مهاجرت شیعیان به بغداد پرداخته و دلایلی تقریباً مشابه مقاله نخست ارائه (برای نقد برخی از این ادله نک: ادامه مقاله) و سپس به معرفی چند شخصیت مهم و نقش آنان در حوزه بغداد اشاره شده است. آنگاه به اجمال تعامل میان حوزه بغداد با سایر مراکز حدیثی شیعه ذکر و در بخش تألیفات، فقط به چند مورد محدود مانند جامع‌نگاری و قرب‌الاسنادنگاری و اندک تألیفات حدیثی و رجالی توجه شده است. این مقاله با معرفی چند خاندان حدیثی بغداد و بیان افول این مکتب در دوران متوکل (برای نقد این نظر نک: ادامه مقاله) پایان یافته است.

در پژوهش پیش رو مباحث تکراری و گفته‌شده مانند خاندان‌های حدیثی بغداد و... مطرح نشده و اندک مطالب تکراری نیز برای نقد بیان شده است. تبیین پیشینه علمی شیعیان بغداد، ذکر مراحل شکل‌گیری و بالندگی این حوزه تا پایان سده سوم و نیز تحلیل عملکرد عالمان حوزه بغداد در سه عرصه علم‌آموزی، تألیف آثار و انتقال میراث مکتوب گذشتگان، از جنبه‌های نوآوری این تحقیق است.

۲. تأسیس بغداد و سکونت شیعیان در آن

احساس ناامنی خلافت نوری بنی‌عباس از شورش راوندیان، همسایگی با مرکز شیعیان زخم‌خورده از خنجر نفاق عباسی، یعنی کوفه، و از دیگر سو دوری‌گزینی از پایتخت امویان و نزدیکی با دوستان ایرانی، منصور عباسی را در سال ۱۴۵ق به این جمع‌بندی رسانید تا بغداد (مدینه السلام) را به‌عنوان مرکز خلافت بنا نهد. (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۵، ص ۵۵۸؛ مکی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۲۱) کار ساخت بغداد در سال ۱۴۹ق به اتمام رسید.

تعقیب صفحات تاریخ نشان می‌دهد همان‌طور که قدمت بغداد به پیش از سال

۱۴۵ق می‌رسد (موسوی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۹) حضور شیعیان در این شهر نیز به قبل از بنای آن بازمی‌گردد. قریه‌ای به نام «کرخ» از دیرباز سکونتگاه شیعیان بود (کورانی عاملی، ۱۴۳۱ق، ص ۱۰)؛ مکانی ممدوح نزد ائمه علیهم‌السلام که از آن به «أسلم موضع» تعبیر کرده‌اند. (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۳۷۱) نشانه این حضور دیرپا را می‌توان در عصر صادقین علیهم‌السلام در میان برخی از اصحاب که به واسطه زندگی - احتمالاً طولانی مدت - در این قریه، به «کرخی» شهره بودند مشاهده کرد؛ مانند ابراهیم کرخی، یحیی بن حجاج کرخی و برادرش خالد و همین طور حسن بن سَری کرخی و برادرش علی بن سَری. (طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۱۶۷، ۱۹۸، ۱۸۱ و ۲۴۵؛ همو، بی‌تا، ش ۷۹۷، ۱۷۴؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۱۲۰۴، ۹۷) توجه شیعیان به این منطقه پس از ساخت بغداد که کرخ به محله‌های غربی شهر ضمیمه شد و از سال ۱۵۷ق به بعد به دنبال انتقال بازارهای بغداد به آنجا توسعه پیدا کرد، همچنان ادامه داشت. شیعیان مهاجر به بغداد، محله کرخ را برای سکنا برمی‌گزیدند همچون عبدالله بن سنان (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۴۷۵)، هشام بن حکم «کان ینزل الکرخ من مدینة السلام فی درب الجب» (طوسی، بی‌تا، ش ۷۸۳) و عیسی بن سَری «نزل کرخ بغداد» (همو، ۱۳۸۱ق، ص ۲۵۸) به نظر می‌رسد نیک یاد کردن ائمه علیهم‌السلام از کرخ و هجرت شیعیان از دیگر مناطق بدانجا با یکپارچگی مذهبی این محله بی‌ارتباط نباشد؛ زیرا به گفته یاقوت حموی، ساکنان کرخ به تمامی شیعه امامی بودند. (حموی، ۱۴۰۰ق، ج ۴، ص ۴۴۸) البته حضور شیعیان در بغداد محدود به محله کرخ نبود؛ برای مثال محمد بن عیسی بن عبید یقطنی، حسن بن محمد بن یحیی، معروف به ابن اُحی طاهر، و ابوعلی اسکافی در محله «سوق العطش» ساکن بودند (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۸۹۶، ۱۴۹؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۳۵-۱۳۶)، منصور بن عباس رازی در «باب الکوفه» اقامت داشت: «کان داره بباب الکوفه بیغداد» (طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۳۷۹)^۱ و عبیدالله بن محمد بن عائذ حلال و علی بن وصیف ناشی (ناشی) در محله «باب الطاق» زندگی می‌کردند. (همان، ص ۳۳؛ ابن شهر آشوب، بی‌تا، ص ۱۸۲) همچنین محله‌های براتنا، سوق السلاح، سوق یحیی، قلابین، ثلاثاء و... از دیگر مناطق شیعه‌نشین بغداد محسوب می‌شدند (موسوی، ۱۳۸۱ش، ص ۳۵-۳۶) که از این میان، محله براتنا و مسجد آن برای شیعیان حائز اهمیت

بود و علاوه بر محل عبادت و تجمع شیعیان، از مراکز علمی آنان به شمار می‌آمد. (کورانی عاملی، ۱۴۳۱ق، ص ۱۲)

۳. پیشینه فعالیت‌های علمی شیعیان بغداد

اگرچه حوزه حدیثی شیعیان در بغداد پس از دوران امام صادق علیه السلام (م ۱۴۸ق) و با بنای مدینه السلام شکل گرفت، پیشینه فعالیت‌های علمی شیعیان بغداد بسان حضورشان در این شهر، به پیش از تأسیس این حوزه حدیثی بازمی‌گردد. بر پایه اطلاعات فهارس و کتب رجال، عصر امام باقر و صادق علیهما السلام کهن‌ترین برهه‌ای است که شواهدی از تلاش‌های عالمان شیعه این دیار را که تقریباً همگی از قصبه کرخ بودند، نمایان می‌سازد. شخصیتی چون حسن بن سَری کرخی از اصحاب صادقین علیهما السلام و برادرش علی بن سَری از یاران امام صادق علیه السلام (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۹۷؛ طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۱۳۱، ۲۴۵) به همراه دیگر اصحاب این امام علیه السلام، یعنی عیسی بن سَری، یحیی بن حجاج کرخی، خالد بن حجاج و ابراهیم کرخی (همان، ش ۸۰۲، ۱۲۰۴؛ همان، ص ۱۶۷، ۱۹۸، ۲۵۸)، شش عالم محله شیعه‌نشین کرخ بغداد بودند که روایات برجای مانده از آنان در منابع معتبر حدیثی همچون کتب اربعه (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۹، ۲۱، ۲۹۲، ۴۴۱، ۵۸۰، ۶۲۸، ۶۷۲، ۶۷۳؛ ج ۳، ص ۱۶، ۳۰۶؛ ج ۴، ص ۳۲۱، ۴۸۸، ج ۵، ص ۸۴، ۱۴۱، ۱۷۷، ۱۹۴، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۸۶، ۳۲۳، ۳۶۵، ۵۶۴؛ ج ۶، ص ۳۰، ۱۹۴، ۲۷۴ و...؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۸۴ و ۴۴۶؛ ج ۳، ص ۳۲۱، ۳۲۱، ۲۴۷، ۳۰۰، ۳۰۷ و...؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۵، ۷۱ و ۲۸۴؛ ج ۶، ص ۳۲۸؛ ج ۷، ص ۵۰، ۵۸، ۱۱۲؛ ج ۱۰، ص ۲۷ و...؛ همو، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۱۶۲ و ۲۶۳؛ ج ۳، ص ۷۳) نشان می‌دهد با وجود آنکه کوفه در آن دوران مرکز علمی شیعیان بود و اندک فاصله‌ای با بغداد داشت، اشتیاق اخذ مستقیم معارف دین، عالمان کرخ را رهسپار مدینه النبی گردانید تا از مکتب علمی تربیتی صادقین علیهما السلام و برخی اندک زمانی از محضر امام موسی بن جعفر علیه السلام بهره‌مند گردند. در طبقه‌بندی عالمان شیعه بغداد در همین بازه زمانی، قاسم بن سلیمان بغدادی قرار دارد که هرچند بسان سایر عالمان فوق از اصحاب امام صادق علیه السلام بود و محضر آن حضرت را درک کرده بود (طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۲۷۳؛ خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۴، ص ۲۲) ولی بررسی روایاتش، از

بهره‌مندی حداکثری وی از حوزه مدائن و عالم این دیار، یعنی جراح مدائنی، از اصحاب صادقین علیهم‌السلام حکایت دارد. (طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۱۲۹ و ۱۷۹)

بازه زمانی فعالیت‌های سه تن از این عالمان به پیش از تأسیس نهایی بغداد محدود می‌شود در حالی که دامنه عملکرد سه تن دیگر تا پس از تأسیس بغداد ادامه یافته است. بنابراین، عملکرد عالمان فوق بر اساس زمان پایان یافتن بنای بغداد در سال ۱۴۹ق به دو بخش قابل تقسیم است:

۳-۱. فعالیت‌های عالمان کرخ پیش از تأسیس نهایی بغداد

یافته‌ها نشان می‌دهد گستره فعالیت‌های علمی گروهی از این عالمان همچون حسن بن سَری و برادرش، عیسی بن سَری و قاسم بن سلیمان محدود به پیش از تأسیس نهایی بغداد است. گزارش‌های مربوط به تلاش‌های علمی این عده و بهره‌مندی آن‌ها از محضر عالمانی چون جابر بن یزید جعفی، ابومریم انصاری، ابوالجارود، عبید بن زراره، سماعة بن مهران و... (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۳۴۲؛ ج ۱۳، ص ۱۸۸؛ ج ۱۴، ص ۲۲) حاکی از آن است که غیر از هجرت به مدینه، هجرت علمی دیگر آنان به پایتخت علمی شیعیان آن روزگار، یعنی کوفه است. اگرچه هدف اصلی از این هجرت علمی، نه بهره‌گیری از مجالس درس مشایخ کوفه، که انتقال ماحصل اندوخته‌های علمی در مدینه به جامعه شیعه در کوفه بود؛ که در آن برهه به دلیل فقدان حوزه‌های شیعی در بغداد و تمرکز فعالیت‌های علمی شیعیان در کوفه با هجرت به این حوزه حدیثی صورت پذیرفت. شواهدی این ادعا را تأیید می‌کند: ۱. مشایخ مهاجر کرخی روایات اندکی از مشایخ کوفی نقل کرده‌اند و بیشتر روایات آنان از معصوم علیه‌السلام است و بیشتر روایات قاسم بن سلیمان هم همان طور که گفته شد از جراح، عالم برجسته حوزه مدائن است. ۲. تلمذ عده‌ای از عالمان مکتب کوفه که اغلب در زمره اصحاب اجماع بودند مثل ابان بن عثمان، حماد بن عثمان، عبدالله بن مُسکان، حسن بن محبوب، صفوان بن یحیی، نصر بن سوید و... نزد این مشایخ مهاجر کرخی ۳. نقل آثار مشایخ مهاجر کرخی توسط بزرگان شیعه در کوفه همچون کتاب حسن بن سَری توسط حسن بن محبوب (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۹۷؛ طوسی، بی تا، ش ۱۷۴) و اقبال به کتاب ثقه‌ای چون عیسی بن سَری «له کتاب یرویه جماعه» (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۸۰۲) و نقل آن

به وسیله محمد بن سلمة بن ارتبیل (همانجا)، از عالمان برجسته حوزه کوفه، و همچنین نقل کتاب قاسم بن سلیمان توسط دیگر عالم موثق کوفی (همان، ش ۱۱۴۷؛ طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۲۴۵)، یعنی نصر بن سدید صیرفی. (همان، ش ۸۵۸؛ همو، بی تا، ش ۵۸۰) چه بسا این شواهد را بتوان تفسیرگر تعبیر «الکوفی» شیخ طوسی برای علی بن سَری کرخی و «کوفی» برقی و شیخ طوسی برای عیسی بن سَری کرخی و قاسم سلیمان بغدادی تلقی کرد. (طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۲۴۶، ۲۶۶ و ۲۷۳؛ برقی، ۱۳۸۳ق، ص ۳۰)

۲-۳. فعالیت‌های عالمان کرخ پس از تأسیس نهایی بغداد

دامنه عملکرد علمی سه عالم دیگر، خالد بن حجاج کرخی و برادرش یحیی به همراه ابراهیم کرخی به قرینه اندک روایات آنان از امام کاظم علیه السلام^۲ تا دوران بعد از تأسیس نهایی بغداد و انتقال پایتخت عباسیان به این شهر امتداد داشت. از این رو، به نظر می‌رسد که عالمان محله کرخ به همراه فضل بن سلیمان کاتب، از اصحاب بغدادی امام صادق و کاظم علیه السلام (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۸۳۷)، پیش‌قراولان تأسیس حوزه حدیثی شیعیان در بغداد بوده‌اند و این حوزه به دست شیعیان بومی آن پایه‌گذاری شده باشد. شاهدی که می‌تواند مؤید این گمانه تلقی شود، این است که بر اساس گزارش‌های شیخ طوسی در رجال، در ابتدای بنای بغداد، جمعی از اصحاب امام صادق علیه السلام همچون عمرو بن جریر بجلی، محمد بن حجاج لخمی، محمد بن عبدالملک انصاری، محمد بن مجیب صائغ، یحیی بن سعید بن أبان قرشی، کوفه را ترک و راهی بغداد شدند. (طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۲۵۰، ۲۸۰، ۲۸۹، ۲۹۵ و ۳۲۲) بهره‌مندی از حوزه علمی بغداد به‌طور عام (موسوی تنیانی، ۱۳۹۴ش، ص ۱۴۱) یا حوزه حدیثی شیعیان به‌طور خاص می‌تواند دلیل این هجرت تلقی شود. البته فرضیه قابل طرح دیگر این است که این راویان خود در ایجاد حوزه حدیثی شیعیان در بغداد نقش‌آفرین بوده‌اند. علاوه بر این، حضور امام کاظم علیه السلام هم به‌عنوان یکی از علل مطرح‌انگیزش هجرت اصحاب به بغداد (همان، ص ۱۴۳) مطرح شده است. در ادامه به ارزیابی این گمانه‌ها خواهیم پرداخت.

گمانه تأسیس حوزه شیعیان در بغداد توسط بومیان در این بازه زمانی به دلیل شرایط

دشوار سیاسی امنیتی با تردید جدی مواجه است. وجود سیاست امنیتی و سخت‌گیرانه عصر منصور عباسی (۱۳۶-۱۵۸ق) در قبال شیعه که نمود آن را می‌توان - به دنبال قیام‌های نوادگان امام مجتبی (علیه السلام) همچون قیام نفس زکیه و برادرش (جعفریان، ۱۳۹۰ش، ص ۴۳۵) - در گماردن جاسوس در مدینه برای کنترل ارتباط شیعیان با یکدیگر و در به شهادت رساندن آن‌ها (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۵۱؛ طوسی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۸۲-۲۸۳) و نیز در تعقیب شیعیان بغداد و یافتن و قرار دادن آن‌ها در میان دیوارها (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۱۱) مشاهده کرد؛ از نامساعد بودن فضای علمی برای شیعیان در دهه‌های ابتدایی تأسیس بغداد حکایت دارد.

به علاوه معدود روایات عالمان سه‌گانه کرخ و دو روایت موجود از فضل بن سلیمان بغدادی (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۷۷؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۷۴) در منابع روایی، مؤید اوضاع و شرایط جامعه شیعه در عصر منصور عباسی و گواه آماده نبودن ظرفیت بغداد برای تأسیس حوزه حدیثی شیعیان است. بنابراین، با توجه به این شرایط تک‌روایات منقول برخی از عالمان کوفی از خالد بن حجاج (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۲۲ و ۵۲۹) و اندک روایات دیگر عالمان کوفی همچون حسن بن محبوب، ابان بن عثمان و... از ابراهیم کرخی (همان، ج ۲، ص ۲۹۲؛ ج ۴، ص ۳۲۱، ۴۸۸ و...؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۲۹) را نباید گواه هجرت این افراد به بغداد تلقی کرد بلکه برعکس، نشانگر هجرت عالمان کرخ به کوفه، مرکز علمی شیعیان در آن دوران، برای انتقال اندوخته‌های علمی‌شان بوده است. (نک: بخش پیشین مقاله)

اما درباره فرضیه تأثیرگذاری عالمان مهاجر کوفی در ایجاد حوزه حدیثی شیعیان در بغداد باید گفت بررسی‌ها نشان می‌دهد مهاجرت این دسته از عالمان در روند شکل‌گیری حوزه شیعیان در بغداد تأثیری نداشته است. از اغلب این افراد در منابع معتبر شیعه هیچ اثری یافت نمی‌شود؛ همچنان که از وجود شاگردانی برای آنان صحبتی به میان نیامده؛ وضعیتی که درباره محمد بن عبدالملک انصاری، محمد بن مجیب، یحیی بن سعید بن ابان و... به وضوح قابل مشاهده است (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۱، ص ۲۴۴؛ ج ۱۳، ص ۸۱؛ ج ۱۶، ص ۲۶۱؛ ج ۱۷، ص ۱۸۵؛ ج ۲۰، ص ۵۳) و به عبارت روشن‌تر، ذکر نام این افراد در منابع رجالی، تنها گزارش به‌جای‌مانده از آنان

است.

حضور امام کاظم علیه السلام را هم نمی‌توان انگیزه هجرت اصحاب به بغداد (موسوی تنیانی، ۱۳۹۴ش، ص ۱۴۳) به شمار آورد؛ زیرا امام کاظم علیه السلام از زمان تأسیس بغداد در سال ۱۴۹ تا انتهای دوران مهدی عباسی در سال ۱۶۹ق، جز مدتی بسیار اندک قدم به بغداد نگذاشتند و اغلب عمرشان در مدینه سپری گردید و در سال ۱۷۹ق نیز که به بغداد احضار شدند تا زمان شهادت در سال ۱۸۳ق در زندان هارون الرشید بودند. (نک: جعفریان، ۱۳۹۰ش، ص ۴۶۹-۴۷۰ و ۴۷۷)

فرضیه هجرت راویان کوفی برای بهره‌مندی از حوزه علمی بغداد به‌طور عام نیز پذیرفتنی نیست؛ زیرا آن دوران عصر نوپایی بغداد به‌لحاظ علمی است. در مجموع باید گفت شواهد و قراین از شکل‌گیری حوزه حدیثی شیعیان در بغداد بعد از خلافت منصور (م ۱۵۸ق) حکایت دارد.

۴. شکل‌گیری و بالندگی حوزه حدیثی شیعیان در بغداد

شکل‌گیری و شکوفایی حوزه حدیثی شیعیان در بغداد از تأسیس تا انتهای قرن سوم، در سه مرحله قابل بررسی است:

۴-۱. مرحله نخست: عصر مهاجران (از عهد مهدی عباسی تا اواخر سده دوم هجری)
تعدیل اوضاع امنیتی و بهبود نسبی شرایط شیعیان در عهد مهدی عباسی (۱۵۸-۱۶۹ق) (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۳۹۴) که چه بسا حضور برخی شیعیان در دستگاه خلافت (نک: ادامه مقاله) در ایجاد آن بی‌تأثیر نبوده باشد، زمینه را برای شکل‌گیری حوزه حدیثی شیعیان در بغداد فراهم کرد. هجرت جمع دیگری از عالمان اغلب کوفی به بغداد نظیر حفص بن بختری، قاسم بن محمد جوهری، نصر بن سُوید، ظریف بن ناصح، هشام بن حکم و شاگردش علی بن منصور، عبدالرحمن بن حجاج، فضل بن یونس کاتب و زیاد بن مروان انباری (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۳۴۴، ۸۶۲، ۱۱۴۷، ۵۵۳، ۱۱۶۴، ۶۵۸، ۸۸۹، ۶۳۰، ۸۴۴؛ طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۱۹۰ و ۳۴۲؛ همو، ۱۴۰۹ق، ص ۴۶۶) را باید در همین راستا ارزیابی کرد. هجرت این عالمان برخلاف عالمان مهاجر قبلی، در روند شکل‌گیری حوزه بغداد کاملاً اثرگذار بود. شاهد این تأثیرگذاری تربیت شاگردان و تألیف آثار گوناگون است (نک: ادامه مقاله) البته عامل هجرت گاه

ناخواسته طیف اندکی از شیعیان، اشتغال در دستگاه خلافت عباسی بود. در عصر بنی عباس برخی شیعیان، چه شیعیان سیاسی و چه عقیدتی، در دستگاه حاکمه بودند مانند ابوسلمه خلال (م قبل از ۱۴۸ق) که وزیر آل محمد رضی الله عنه خوانده می شد (ابن قتیبه، ۱۹۶۰م، ص ۳۷۰؛ بلاذری، ۱۳۹۸ق، ج ۴، ص ۱۵۴؛ یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۳۵۲)، شریک بن عبدالله نخعی، قاضی کوفه بود (قمی، بی تا، ج ۳، ص ۲۴۷؛ طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۷۳-۱۷۴)، عیسی بن روضه حاجب منصور دوانیقی گشته بود (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۷۹۴)، علی بن ابی نصر کوفی ردای وزارت در عهد مهدی عباسی به تن داشت (طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۲۶۶)، همین سمت را حسن بن راشد در دوران مهدی، موسی (هادی) و هارون عهده دار بود (برقی، ۱۳۸۳ق، ص ۲۶)، عبدالله بن سنان از اصحاب ثقه و جلیل القدر امام صادق و امام کاظم علیهما السلام نیز مسئولیت خزائن منصور، مهدی، هادی و هارون الرشید را بر عهده داشت (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۵۵۶؛ طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۲۶۴، ۳۳۹؛ همو، ۱۴۰۹ق، ص ۴۱۱؛ برقی، ۱۳۸۳ق، ص ۲۲)، نوح بن دراج (م ۱۸۲ق) قاضی کوفه بود و پس از آن قاضی بغداد گشت (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۲۴۵ و ۲۳۸؛ طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۳۱۴؛ همو، ۱۴۰۹ق، ص ۲۵۱؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۱۶-۳۱۹)، شخصیت برجسته ای چون علی بن یقطین عهده دار مسئولیت بود در دستگاه مهدی، هادی و هارون الرشید (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۴۰۱؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۸، ص ۱۶۷ و ۱۸۹؛ پیشوایی، ۱۳۹۱ش، ص ۴۶۶) و یعقوب بن یزید انباری از کاتبان دربار مُتصر بود (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۱۲۱۵)^۳ از این میان، نوح بن دراج، عبدالله بن سنان، علی بن ابی نصر و حسن راشد در شمار مهاجران کوفه به بغداد بودند؛ که البته هجرت این طیف از مهاجران نیز خالی از اثرگذاری در شکل گیری این حوزه حدیثی نبود؛ برای مثال می توان از نقش علمی حسن بن راشد و عبدالله بن سنان به طور ویژه یاد کرد.

در این مرحله از تاریخ حوزه بغداد برخلاف مرحله نخست، جز قاسم بن عروه و علی بن خلید معروف به ابوالحسن مکفوف (همان، ش ۸۶۰؛ طوسی، بی تا، ش ۵۷۹؛ همو، ۱۴۰۹ق، ص ۳۴۶) عالم بومی دیگری وجود ندارد. از ابوالحسن مکفوف تنها اندک اطلاعاتی در رجال کشی باقی مانده و در منابع روایی به غیر از یک روایت که

بیانگر درک محضر او توسط یونس بن عبدالرحمن است، اثری یافت نمی‌شود. (طوسی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۷۰ و ۳۴۶) ولی قاسم بن عروه عالمی فعال بود چنان‌که از نگارش کتابش که مورد اقبال عالمان کوفه، قم و اهواز قرار گرفت (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۸۶۰؛ طوسی، بی‌تا، ش ۵۷۹) و تعدد شاگردان بومی و غیر بومی‌اش از مراکز مختلف علمی همچون کوفه، قم، اهواز و ری معلوم است (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۰)

بررسی این مرحله از شکل‌گیری حوزه بغداد، گویای آن است که شاکله این حوزه حدیثی به دست عالمان مهاجر کوفی بنیان نهاده شد. کثرت مهاجران کوفی به بغداد در این برهه در مقابل اندک بومیان بغدادی گویای تفاوت اثرگذاری این دو گروه در پایه‌گذاری این حوزه حدیثی است؛ از این رو، می‌توان این مرحله شکل‌گیری حوزه شیعیان در بغداد را «عصر مهاجران» نامید.

همچنین توجه به این نکته نیز ضروری است که مکتب حدیثی شیعیان در بغداد پس از یک دوره فشار در عهد منصور و برهه‌ای کم‌تنش‌تر در زمان مهدی عباسی، بار دیگر در روزگار هارون الرشید با شرایط خفقان‌باری مواجه شد. کشته شدن شیعیان (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۰۸)، فرار هشام بن حکم از بغداد به کوفه و وفاتش در نهان به سال ۱۷۹ق (طوسی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۵۵-۲۵۶)، زندانی شدن علی بن یقطین در سال ۱۷۸ق و شهادتش بعد از چهار سال حبس، به زندان افتادن امام کاظم علیه السلام در سال ۱۷۹ق و شهادتش در سال ۱۸۳ق (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۷۱۵؛ جعفریان، ۱۳۹۰ش، ص ۴۷۷)، احضار مُرَازِمِ بن حَکیم و برادرش به‌همراه عبدالحمید بن عَوَاض - از اصحاب ثقه سه تن از ائمه، امام باقر، امام صادق و امام کاظم علیهم السلام (طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۱۳۹، ۲۴۰-۲۴۱ و ۳۳۹) - از سوی هارون الرشید و دستور قتل عبدالحمید توسط وی (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۱۱۳۸)، زندانی شدن ابن ابی عمیر از بزرگان حوزه بغداد و شکنجه شدنش در عهد هارون به‌منظور افشای اسامی یاران موسی بن جعفر علیه السلام (همان، ش ۸۸۷) همگی بازتاب‌دهنده اوضاع دهشتناک این عصر است. بر این اساس می‌توان حدس زد که اکثر مهاجران به بغداد در این دوره، احتمالاً پیش از عصر هارون الرشید یا حداقل تا اوایل دوران وی به بغداد هجرت کرده باشند. همچنین شاید بتوان

سخت‌گیری دستگاه خلافت را ناشی از اشراف اطلاعاتی نسبت به رونق و شکوفایی حوزه شیعیان در بغداد تلقی کرد؛ حوزه‌ای که در این دوران با اقبال سایر مدارس حدیثی شیعه مواجه شده بود و عالمان آن با تربیت شاگردان فراوان و نگارش آثار گوناگون در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی، این حوزه را در کنار حوزه کوفه به مرکز علمی دوم شیعه تبدیل کرده بودند. امری که با علت شکل‌گیری شهر بغداد- دوری از کوفه به عنوان پایگاه اصلی شیعه- در تعارض آشکار قرار داشت، لذا منجر به احساس خطر و عکس‌العمل دستگاه خلافت نسبت به آن شد.

۲-۴. مرحله دوم دوران بومیان (از پایان سده دوم هجری تا پایان عصر حضور

ائمہ علیہم السلام)

این مرحله از تکامل حوزه بغداد که از پایان سده دوم هجری آغاز و تا پایان عصر حضور ائمہ علیہم السلام ادامه دارد، توسط نخستین نسل از تربیت‌یافتگان بومی مکتب حدیثی بغداد همچون یونس بن عبدالرحمن (م ۲۰۸ق) و محمد بن ابی‌عمیر (م ۲۱۷ق) که بعدها از اصحاب اجماع شمرده شدند و در میان عالمان شیعه «کان وجها فی أصحابنا متقدماً عظیم المنزلة» (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۱۲۰۸)، و مانند ابن ابی‌عمیر حتی در میان عامه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند: «جلیل القدر عظیم المنزلة فینا و عند المخالفین» (همان، ش ۸۸۷) آغاز شد. این روند تکاملی را دیگر عالمان بومی همچون مَعْمَر بن خَلَّاد، احمد بن عبدالله کرخی، حسن بن علی بن یقطین، سعید بن جناح، موسی بن جعفر بغدادی، محمد بن عبدالله کرخی، عبدالعزیز بن حسان بغدادی، علی بن مَعْبَد، علی بن سلیمان بن رشید، فضل بن کثیر، محمد بن عیسی بن عبید یقطینی ادامه دادند. (همان، ش ۱۱۲۸، ۲۲۶، ۹۱، ۴۸۱، ۵۱۲، ۷۱۶، ۹۴۲، ۱۰۷۶، ۸۹۶؛ طوسی، بی‌تا، ش ۷۱۶، ۷۹، ۱۶۶، ۷۶۴، ۶۹۳، ۳۷۸؛ همو، ۱۳۸۱ق، ص ۳۸۸، ۴۱۶، ۳۵۴، ۳۹۰، ۳۷۸، ۳۶۷ و ۴۰۱؛ خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۰، ص ۳۰) در این مرحله برخلاف دوره قبل، نقش عالمان بومی بغداد بسیار چشمگیر است و می‌توان گفت بار مسئولیت تدوام حوزه بغداد به دوش این عالمان قرار گرفت. البته در این مرحله نیز نقش غیرمستقیم مکتب حدیثی کوفه در بنای این حوزه را نباید از یاد برد؛ زیرا اکثر این طیف از عالمان، دانش‌آموخته حوزه حدیثی کوفه هستند. پیش از شکل‌گیری مکتب بغداد عالمان این

حوزه، شاگرد درس خیل کثیری از اندیشوران کوفه بودند؛ از جمله بزرگانی همچون ابوبصیر، زرارة بن أعین، ابومریم انصاری، ابان بن عثمان، برید بن معاویه، منصور بن حازم، محمد بن حمران، هشام بن حکم و هشام بن سالم (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۶۴؛ ج ۳، ص ۲۹۰؛ ج ۷، ص ۲۴۸؛ ج ۱۶، ص ۲۹۵؛ ج ۱۹، ص ۳۰۲ و...) در واقع آشنایی عالمان بغداد با مشرب‌های مختلف فقهی کوفه مثل جریان هشام بن حکم، جریان هشام بن سالم، صفوان بن یحیی و محمد بن ابی‌نصر بزنطی و همچنین جریان فقیهان آل‌اعین و نیز حلقه‌های کوچک‌تر فقهی مثل محمد بن مسلم و ابوبصیر اسدی و همچنین جریان‌های عقل‌گرای کوفه مانند هشام بن حکم، مؤمن طاق و هشام بن سالم و زرارة بن أعین و بهره‌گیری از این جریان‌های مختلف فکری در کوفه باعث تثبیت و تحکیم حوزه حدیثی بغداد شد. به عبارت دیگر باید گفت مکتب حدیثی بغداد چه در مرحله تأسیس و چه در مرحله تحکیم، وامدار حلقه‌های فقهی و کلامی کوفه است و ستون‌های علمی این حوزه بر دانش و تفکر بزرگان حوزه حدیثی کوفه از طریق عالمان بومی بغداد استوار شد.

البته یکی از ویژگی‌های بارز این دوران بسان مرحله قبل، هجرت عالمان از سایر بلاد و مراکز علمی به بغداد است. توضیح آنکه هرچند شهر بغداد بنا بر سیاست‌های نظامی و امنیتی شکل گرفت، پس از تأسیس، یکی از راهبردهای عباسیان برای هم‌آوردی با امویان، تبدیل کردن بغداد به قطب علمی و آموزشی و علم کردن آن در برابر دمشق بود. (احمد، ۱۳۸۴ش، ص ۷۴) دعوت منصور عباسی از دانشمندان سراسر بلاد به بغداد، تأسیس بیت‌الحکمه توسط هارون‌الرشید، برگزاری جلسات مناظره در عهد مأمون، ایجاد خانه‌هایی برای دانشمندان و تالارهایی به‌عنوان کلاس درس و همچنین پرداخت حقوق به عالمان مدرس توسط معتضد را می‌توان در راستای این سیاست ارزیابی کرد. (همان، ص ۷۴-۷۵، ۱۱۴-۱۱۵ و ۳۵۰-۳۵۱) فضای علمی بغداد پنجاه سال پس از تأسیس، یعنی اواخر سده دوم، مملو از عالمان رشته‌های گوناگون بود. در مسجد جامع منصور در دوره شافعی (م ۲۰۴ق) چهل تا پنجاه حلقه درس تشکیل می‌شد. (همان، ۱۶۹) کسائی (م ۱۸۹ق) کلاس قرائت داشت. (همان، ص ۱۷۲) شافعی خود در این مسجد تدریس می‌کرد. (همان، ص ۱۱۰) در مسجد رُصافه پای درس عالمی، تا صد هزار تن حضور

داشتند. (همان، ص ۱۷۴) یکی دیگر از نمادهای نشاط فراوان علمی در بغداد وجود کارگاه‌های کاغذسازی در سده دوم بود. در دوره مأمون فراوانی کاغذ به‌حدی بود که یکی از عالمان طبرستان که مورد بی‌مهری خلیفه قرار گرفته بود به دلیل امتناع از فروش هیزم به وی، برای سوخت از کاغذ استفاده می‌کرد؛ و در دوره یعقوبی (م ۲۸۴ یا ۲۹۲ق) در بغداد بیش از صد کتاب‌فروشی وجود داشت که استنساخ کتب نیز در آن‌ها صورت می‌گرفت. (زرین‌کوب، ۱۳۸۷ش، ص ۴۰-۴۱)

این فضای علمی شهر بغداد و نیز کشمکش‌های سیاسی بر سر خلافت میان امین و مأمون (نک: ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۶، ص ۲۲۲) که به‌نوعی دوران انتقال قدرت از بنی‌امیه به بنی‌عباس را تداعی می‌کرد، برای مدتی شیعیان را از مرکز توجه خلافت خارج ساخت. همچنین جریان ولایتعهدی امام رضا علیه‌السلام و جایگزینی موقت مرو به‌جای بغداد در مقطعی از دوران مأمون و انتقال پایتخت از بغداد به سامرا از دوران معتصم (۲۱۸-۲۲۷ق)، به بهبود اوضاع و شرایط شیعیان و به تبع آن به رونق و تثبیت حوزه حدیثی شیعیان در بغداد انجامید. در این دوران، فعالیت حوزه بغداد در عرصه تألیفات علمی و تربیت شاگردان، توجه و اقبال سایر مراکز حدیثی همچون کوفه، بصره، قم، اهواز، ری و نیشاور را به خود معطوف ساخت و بار دیگر شرایط را برای هجرت عالمان به قصد سکونت در این حوزه فراهم کرد. برای نمونه می‌توان به هجرت افرادی همچون یعقوب بن یزید انباری، ابو ایوب انباری، احمد بن محمد بن احمد بن طلحه، سندی بن ربیع، هارون بن مسلم (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۱۲۱۶، ۸۴۷، ۲۳۳، ۳۴۳؛ طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۳۵۸ و ۴۰۳)، عبدالله بن محمد بن حرب بصری (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۳۷۸)، محمد بن حسن بن شمون بصری (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۶۹۵؛ ابن غضائری، ۱۳۶۴ق، ص ۹۵) اشاره کرد.

اما مسئله‌ای دیگر که در این دوران محل توجه است، افزایش فشار بر جامعه شیعه در دوران متوکل (۲۳۲-۲۴۷ق) است؛ که شهادت ابن‌سکیت (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۱۲۱۴) زندانی شدن علی بن جعفر همانی، وکیل امام هادی علیه‌السلام (طوسی، ۱۴۰۹ق، ص ۶۰۷) و ابوهاشم جعفری (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۰۹؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۲۷) از نشانه‌های آن بود. صد ضربه تازیانه به علی بن نصر جهضمی سنی‌مذهب به اتهام تشیع (خطیب

بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۲۸۹)، پاکسازی دستگاه حکومت از شیعیان مانند اخراج اسحاق بن ابراهیم حاکم سامرا از منصبش به جرم شیعه بودن و نیز قرار دادن شیعیان در تنگنای اقتصادی (حسین، ۱۳۸۵ش، ص ۸۴) گویای فضای به شدت بسته امنیتی، سیاسی و اقتصادی در این دوران است. برخی این فضا را زمینه ساز و آغازگر روند افول حوزه حدیثی بغداد قلمداد کرده اند. (موسوی تنیانی، ۱۳۹۴ش، ص ۱۵۵) به رغم آنکه بررسی ها نشانگر آن است که شرایط عصر متوکل مشابه دوران منصور و هارون الرشید وضعیت نامطلوبی را برای شیعیان رقم زده، در این مقطع، حوزه بغداد شاهد حضور و فعالیت عالمان و اصحاب متعدد امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام مانند یعقوب بن یزید انباری، ریان بن صلت اشعری، حسن بن ظریف بن ناصح، علی بن سلیمان بن رشید، فضل بن کثیر بغدادی، محمد بن عیسی بن عبید، هارون بن مسلم، اسحاق بن محمد نخعی و دیگران است. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۱۲۱۵، ۱۴۰ و ۸۹۶؛ طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۳۵۷ و ۳۸۶، ۳۸۸، ۳۹۰، ۴۰۳ و ۳۸۴؛ همو، ۱۴۰۹ق، ص ۵۳۰)

جالب آنکه برخی از این عالمان در شمار هجرت کنندگان به این حوزه هستند که این خود گواه تحرک و رونق حوزه بغداد در این دوران است. حتی در خصوص برخی دیگر از عالمان همچون حسن بن علی بن سبره، احمد بن عبید و عبدوس بن ابراهیم که شواهدی دال بر حضور مؤثر آنان در این برهه دیده نمی شود، ذکر نام آنان در کتب فهارس، از حداقل نشانه های فعالیت علمی آنان یعنی تألیف اثر حکایت دارد؛ آثاری که به قرینه گزارش شیخ طوسی و نجاشی تا سده پنجم هجری در دسترس بوده است. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۱۰۸، ۸۲۳؛ طوسی، بی تا، ش ۱۶۸، ۱۰۴، ۵۵۰) شاهد دیگر پویایی حوزه بغداد در این عصر، مکاتبات متعدد امام هادی علیه السلام با عالمان شیعه بغداد است که این نامه ها گاه به صورت شخصی به افرادی مانند یعقوب بن یزید انباری، محمد بن عیسی بن عبید، علی بن جعفر همانی، علی بن سلیمان بن رشید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۶۶ و ج ۷، ص ۳۷؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۷۳ و ج ۴، ص ۲۳۸؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۸۱؛ همو، ۱۴۰۹ق، ص ۵۱۸، ۵۲۰، ۵۲۵ و ۶۰۶) نگاشته شده و زمانی جمع شیعیان این دیار را مخاطب قرار داده است. (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ص ۲۲۴؛ طوسی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۱۳؛ همو، ۱۴۱۱ق، ص ۳۰۵) همین توجه به

حوزه بغداد در عصر امام عسکری علیه السلام در نامه نگاری با اصحابی چون حسن بن ظریف بن ناصح و موسی بن جعفر بغدادی دیده می شود. (نک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۰۹؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۰۷؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۴۲۳)

۳-۴. مرحله سوم: عصر غیبت صغری

کمرنگ شدن، نه افول، نقش مکتب کوفه از دهه های ابتدایی قرن سوم تا اواسط نیمه دوم این سده و سپری شدن یکصد سال از رشد و شکوفایی حوزه بغداد سبب شد تا این حوزه از سده سوم به یک قطب و مرکز علمی، دینی و سیاسی برای شیعیان مبدل گردد. توجه سایر مراکز علمی شیعه به بغداد و نیز تصمیم گیری در موضوعات مهمی چون امامت که در جریان پس از شهادت امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام بغداد را کانون توجهات اصحاب ائمه کرد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۲۴؛ مسعودی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۲۰) و احتمالاً قرب مسافت میان بغداد و سامرا، همگی عواملی بودند تا در شروع عصر غیبت، نایبان حضرت حجت علیه السلام، بغداد را مرکز سازمان دهی شیعیان قرار دهند. از جنبه علمی، سیر حرکت حوزه بغداد در این دوران با وجود تحیر و تلاطم های عقیدتی ایجاد شده ناشی از آغاز دوران غیبت در میان عوام و خواص شیعیان، رو به افول نگرایید بلکه تا آغاز سده چهارم که عصر طلایی حوزه بغداد محسوب می شود همچنان رو به تعالی بود. تلاش های عالمانی چون ابوهاشم جعفری (م ۲۶۱ق)، احمد بن محمد بن مسلمه بغدادی، احمد بن محمد بن عاصم، موسی بن عمر بغدادی، تاریخ نگارانی چون ابن ابی تلج و ابن همام اسکافی و متکلمانی چون ابوسهل نوبختی، حسن بن موسی نوبختی و محمد بن قاسم بغدادی بازتاب دهنده این فعالیت ها بودند (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۴۱۱، ۱۸۷، ۲۳۲، ۱۰۳۷، ۱۰۳۲، ۶۸، ۱۴۸؛ طوسی، بی تا، ش ۲۷۷، ۸۵، ۶۶۴، ۶۱۳، ۳۶، ۱۶۱؛ همو، ۱۳۸۱ق، ص ۴۰۸ و ۴۱۶) و بهره مندی عالمان دیگر حوزه های علمی همچون محمد بن مسعود عیاشی (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۹۴۴)، محمد بن بشر سوسنجردی و مظفر بن محمد بلخی از محضر مشایخ این دوره، گواه دیگری بر تحرک علمی حوزه بغداد در این دوران بود.

۵. عملکرد حوزه حدیثی شیعیان در بغداد

عملکرد حوزه حدیثی شیعیان در بغداد از تأسیس تا پایان سده سوم در سه عرصه

علم‌آموزی، تألیف آثار و انتقال میراث مکتوب گذشتگان قابل بررسی است.

۱-۵. علم‌آموزی در حوزه بغداد

تربیت یافتن عالمان برجسته در یک حوزه حدیثی، گواه تحرک، رشد و بالندگی آن حوزه است؛ و رجوع علم‌آموزان دیگر مراکز علمی به آن، از اهمیت جایگاه آن حوزه حکایت دارد. عملکرد حوزه بغداد در این عرصه از حیث زمانی به دو بخش قرن دوم و قرن سوم و از جنبه علم‌آموزان همچون مشایخ این حوزه، به دو طیف بومی و مهاجر تقسیم می‌شوند.

در بازه زمانی نخست، یعنی از دوره تأسیس بغداد تا سال‌های پایانی سده دوم، شمار علم‌آموزان بغدادی در حوزه بغداد اندک است و بر اساس منقولات برجای مانده در منابع روایی، عملکرد اغلب آنان جز یونس و ابن ابی عمیر چشمگیر نیست. در این برهه زمانی، برخلاف بومیان بغداد، حضور متنوع علم‌آموزان دیگر مراکز علمی شیعه همچون کوفه، قم، اهواز و نیشابور قابل توجه است. در این میان هجرت از کوفه با توجه به نزدیکی به بغداد و نیز مرکزیت علمی کوفه در آن روزگار و تمرکز علم‌آموزان شیعه در این شهر، بیشتر از سایر شهرها بود. حضور عالمان دیگر مراکز مانند قم و اهواز در بغداد اگرچه اندک، بسیار تأثیرگذار بوده است. (نک: ادامه مقاله) حضور علم‌آموزان مهاجر در محافل علمی همه اساتید یکسان نبود؛ برای مثال در مجلس درس عبدالله بن سنان، علی بن یقطین و عبدالرحمن بن حجاج تنها علم‌آموزان مهاجر کوفی شرکت می‌کردند اما در مجلس درس قاسم بن محمد جوهری تنها عالمان حوزه‌های ایران به‌خصوص دو حوزه قم و اهواز حضور داشتند. (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۴، ص ۵۵) با وجود تنوع شاگردان مجلس درس قاسم بن عروه و نصر بن سويد (همان، ج ۱۴، ص ۳۰ و ج ۱۹، ص ۱۵۳) باز هم اکثریت با مهاجران قم و اهواز بود. نشر حداکثری روایات این عالمان در منابع متأخر از طریق حسین بن سعید اهوازی و محمد بن خالد قمی شاهد این مدعاست. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۷، ۶۹، ۸۲، ۹۱، ۱۰۹، ۱۲۸، ۱۳۳ و...؛ ج ۲، ص ۳۷، ۳۸، ۷۹، ۱۲۶، ۳۴۰، ۳۷۹، ۴۷۷، ۵۳۶ و ۵۵۰؛ ج ۳، ص ۵۷، ۹۷، ۹۹، ۱۰۹، ۲۷۶، ۲۷۸ و...؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۷۹، ۸۱، ۸۹، ۹۹، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۷۵، ۱۸۲ و...؛ ج ۲، ص ۲۴، ۲۶، ۲۹ و ۶۲؛ ج ۳، ص ۴، ۱۹، ۲۵، ۲۷۸

و...؛ ج ۴، ص ۲۰، ۲۵، ۳۱، ۷۰، ۱۷۸، ۱۹۴، ۱۹۶ و...)

در بازه زمانی دوم یعنی از اواخر سده دوم تا پایان قرن سوم، در عرصه علم آموزی، مکتب بغداد شاهد روندی متفاوت بود. علم آموزان بومی مکتب بغداد همچون موسی بن جعفر بغدادی و علی بن معبد با شاگردی در محضر مشایخی چون یونس بن عبدالرحمن و ابن ابی عمیر تا جایگاه استادی در این حوزه پیش رفتند. همین مسئله (قرار گرفتن در جایگاه مشایخ بغداد) در میان علم آموزان مهاجر نیز جلب توجه می کند. این مهاجران در کسوت استادی یادآور مهاجران نخست به حوزه بغدادند. البته با این تفاوت که مهاجران اولیه در زمره اساتید مؤسس حوزه بغداد بودند؛ ولی گروهی از مهاجران مرحله کنونی اگرچه در عداد مشایخ و بزرگان این مکتب قلمداد شدند، این جایگاه علمی را با شاگردی نزد عالمان برجسته ای چون یونس بن عبدالرحمن و ابن ابی عمیر، سعید بن جناح و... کسب کردند. از بارزترین اساتید مهاجر این دوره می توان به عباس بن موسی وراق و محمد بن عیسی بن عبید از اصحاب یونس بن عبدالرحمن (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۷۴۲؛ طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۳۹۱) منصور بن عباس رازی، یعقوب بن یزید انباری، حسن بن ظریف بن ناصح، سندی بن ربیع، هارون بن مسلم اشاره کرد.

حلقه های درس اساتید بومی و مهاجر مکتب بغداد در این دوره نیز بسان گذشته محل توجه علم آموزان دیگر حوزه های شیعی قرار گرفت. اما عملکرد علم آموزان در این دوره، متفاوت از سده دوم بود.

در ابتدای این برهه، مجالس درس بزرگان و عالمان مشهوری چون یونس بن عبدالرحمن و محمد بن ابی عمیر محل اجتماع گسترده علم آموزان مهاجر از حوزه های مختلف کوفه، الأنبار، قم، اهواز، ری و نیشابور بود. نام برده شدن از بزرگانی مثل شاذان بن خلیل نیشابوری به همراه نوح بن شعیب نیشابوری، یحیی بن ابی عمران همدانی، محمد بن احمد بن مطهر بغدادی و محمد بن عیسی بن عبید در شمار شاگردان یونس (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۸۴۰؛ طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۳۶۹، ۳۹۱ و ۴۰۱) و نیز شاگردی علی بن حکم انباری در محضر ابن ابی عمیر (طوسی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۷۰) به همراه دیگر عالمانی همچون ایوب بن نوح کوفی، ابراهیم بن هاشم قمی، یعقوب بن یزید انباری، سندی بن ربیع و هارون بن مسلم و... (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۴، ص ۲۸۸) مؤید آن است.

اما تأمل در سیر تاریخی حوزه بغداد در سده سوم که دهه‌های ابتدایی آن با افول مکتب کوفه قرین بود، از تغییر در روند علم‌آموزی در مکتب بغداد حکایت دارد. شواهد این تغییر عبارت‌اند از: الف. کاهش قابل تأمل رحله‌های علمی از کوفه به بغداد از دوران ابن ابی عمیر تا انتهای این سده. شمار اندک عالمان کوفی در بغداد نظیر محمد بن حسین بن ابی الخطاب، علی بن حسن بن فضال و حمید بن زیاد در نیمه دوم این سده مؤید این ادعاست؛ ب. تحدید دایره علم‌آموزان مهاجر به حوزه‌های شیعی در ایران نظیر قم، اهواز، ری و نیشابور. البته عملکرد علم‌آموزان حوزه‌های ایران نیز از نظر مدت استمرار، تعداد علم‌آموزان و تأثیرگذاری در نشر آثار مشایخ بغدادی یکسان نبود. (برای تفصیل این موارد نک: نیل‌ساز، رجایی‌فرد، در دست‌نشر)

۲-۵. تألیفات علمی در حوزه حدیثی بغداد

یکی از شاخصه‌های مهم در ارزیابی جایگاه هر حوزه حدیثی، توجه به نگاشته‌های تألیفی عالمان آن حوزه است. بررسی این مهم در مکتب بغداد نشان می‌دهد اهتمام به نگارش آثار علمی در زمینه‌های گوناگون از نخستین سال‌های تأسیس این حوزه وجود داشته است. آثار فقهی ظریف بن ناصح، نگاشته‌های کلامی هشام بن حکم، کتب ادعیه عبدالله بن سنان و نیز نگاشته‌های قرآنی محمد بن حسن بن ابی ساره از متقدمان این حوزه مؤید این ادعاست.

آثار تألیفی در مکتب بغداد، از تأسیس تا انتهای قرن سوم، نمایانگر فعالیت در عرصه علوم قرآن و تفسیر، اخلاق، دعا و زیارات، کلام، فقه و تاریخ است. نگارش اثری در فضائل قرآن و در تفسیر آیات توسط یونس بن عبدالرحمن (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۱۲۰۸) به همراه دو کتاب تفسیری محمد بن عیسی بن عبید و ابن ابی ثلج در اواسط سده سوم و دوران غیبت (همان، ش ۶۱۲، ۱۰۳۷؛ طوسی، بی‌تا، ش ۶۶۴) و کتاب *التنزیه و ذکر متشابه القرآن* حسن بن موسی نویختی (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۱۴۸) مجموع فعالیت‌های قرآن‌محور عالمان بغداد بود. در اثر اخیر، متکلم بودن حسن بن موسی نویختی می‌تواند قرینه‌ای بر رویکرد عقل‌گرایانه این کتاب داشته باشد. در مباحث اخلاقی، حوزه بغداد با تألیفات متعدد (همان، ش ۱۱۲۸، ۱۲۰۸، ۸۹۶، ۸۹۹؛ طوسی، بی‌تا، ش ۷۶۴) در قالب چهار گونه از آثار اخلاقی، کتاب *الزهد*، کتاب *الآداب (الأدب)*،

کتاب *ثواب الأعمال و کتاب المواعظ*، ادامه دهنده راه پیش قراولان این گونه‌های تألیفی در سایر حوزه‌های حدیثی بود. (نک: رجایی فرد، ۱۳۹۵ش، ص ۸۰، ۸۲، ۸۴ و ۸۸) از موضوعات پرتألیف و متقدم مکتب بغداد، ادعیه‌نگاری است. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۵۵۸، ۵۸۷، ۱۱۸۰، ۱۹۹، ۹۳۷ و...؛ طوسی، بی تا، ش ۴۳۴) کتاب *یوم و لیلۃ یونس بن عبدالرحمن و کتاب التادیب ابن خانبه* (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۱۲۰۸، ۲۲۶) از آثار مهم و معتبر در این عرصه به حساب می‌آید. (کشی، ۱۳۴۸ش، ص ۴۸۴ و ۴۸۵) در زمینه تاریخ‌نگاری به‌ویژه تاریخ‌نگاری زندگانی ائمه علیهم‌السلام حوزه بغداد بسیار اثرگذار بود؛ و در عصر غیبت تألیفات متعددی در این راستا توسط عالمانی نظیر ابن ابی‌ثلج، ابن همام اسکافی و... نگاشته شد؛ همچون *موالید الأئمة و أعمارهم، الأنوار فی تواریخ الأئمة، تاریخ الأئمة علیهم‌السلام و الأنوار فی تاریخ الأئمة* (همان، ش ۲۳۲، ۶۸، ۱۰۳۷، ۱۰۲۳) البته گزارش تک‌نگاری‌های تاریخی گویای آن است که اغلب این آثار بر محور دوران امیرالمؤمنین علیه‌السلام و جنگ‌های سه‌گانه آن حضرت بود. (همان، ش ۱۴۸، ۱۱۶۴، ۱۰۳۷، ۱۱۴۸؛ طوسی، بی تا، ش ۷۷۳) در عرصه سیره‌نگاری نیز دوران بعد از هجرت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به مدینه که به «مغازی» تعبیر می‌شود (جعفریان، ۱۳۹۳ش، ص ۴۸) بن‌مایه نگارش اندک سیره‌نگاری‌های عالمان بغداد شد.

در حوزه تألیفات فقهی، آنچه بیشتر جلوه‌گری می‌کند، در درجه نخست جامع‌نگاری‌های فقهی مانند جامع فقهی عبدالله بن سنان و ظریف بن ناصح و کتاب *الجامع الكبير فی الفقه یونس بن عبدالرحمن* است (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۵۵۸، ۵۵۳، ۱۲۰۸) و در درجه دوم پیش‌قراولی در برخی تک‌نگاری‌های فقهی است؛ چنان‌که در موضوعاتی مثل حدود، دیات و مزارعه نخستین مکتوبات مستقل فقهی توسط فقهای مکتب بغداد تألیف شد. (رجائی فرد، ۱۳۹۵ش، ص ۱۷۵، ۱۷۷ و ۱۸۰) بررسی خط سیر تألیفات کلامی از ورود هشام بن حکم به بغداد در سده دوم تا دوران متکلمان نوبختی در عصر غیبت نشان می‌دهد دو مسئله توحید و امامت انگیزه‌ساز تألیف بیشترین نگاشته‌های عقیدتی از سوی عالمان و متکلمان حوزه بغداد بوده است. (نک: نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۶۸، ۱۴۸، ۸۸۷، ۸۸۹، ۸۹۶، ۱۱۶۴، ۱۱۸۰، ۱۲۰۸؛ طوسی، بی تا، ش ۳۶، ۱۶۱، ۵۹۶، ۶۱۸، ۷۸۳)

۳-۵. انتقال میراث مکتوب گذشتگان

در ارزیابی مرجعیت علمی یک حوزه حدیثی علاوه بر تألیف آثار برجسته علمی، ایفای نقش در انتقال میراث مکتوب گذشتگان از معیارهای مهم است؛ به ویژه با در نظر گرفتن این حقیقت که شیعیان پیوسته در شرایط امنیتی و انواع محدودیت‌ها به سر می‌بردند و حفظ و نگهداری آثار خود و گذشتگان امری مخاطره‌آمیز بود. نگاه به عملکرد عالمان مکتب بغداد در این عرصه، گواه نقش مؤثر این حوزه در انتقال نگاشته‌های نخستین عالمان شیعه است که از جهات مختلف قابل بررسی است.

عالمان حوزه بغداد واسطه انتقال آثار چند صد مؤلف متقدم شیعه به سایر مراکز علمی شیعه از کوفه تازی و به ویژه مکتب قم بودند. انتقال صد اثر از تألیفات اصحاب امام صادق علیه السلام از طریق محمد بن ابی عمیر (طوسی، بی تا، ش ۶۱۸)، روایت اصول متعدد روایی از طریق احمد بن محمد مسلمه بغدادی (همو، ۱۳۸۱ق، ص ۴۰۸) و نیز احمد بن هلال (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۱۰۷) و ذکر نام محمد بن عیسی بن عبید و یعقوب بن یزید انباری در طریق بسیاری از تألیفات متقدمان در کتب فهارس (همان، ش ۱۲۰۸، ۵۹۷، ۵۶۶، ۴۵۳، ۴۶۶، ۱۷۹، ۸۰، ۹۵۲ و...؛ طوسی، بی تا، ش ۸۱۳، ۶۱۸، ۷۷۳، ۳۰۶، ۳۰۲، ۳۱۳ و...) مؤید این نکته است.

تعابیر نجاشی و شیخ طوسی نشان می‌دهد بسیاری از این آثار از اعتبار زیادی برخوردار بودند و با اقبال و اعتنای گسترده عالمان مواجه شدند. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۲۷، ۱۰۵، ۱۷۰، ۳۲۸، ۳۸۳، ۴۳۰، ۴۶۰، ۴۶۹، ۵۱۶، ۵۹۷، ۶۱۲، ۶۳۰، ۸۱۲، ۸۴۱، ۹۹۷، ۱۰۹۶، ۱۱۶۵ و ۱۱۹۹؛ طوسی، بی تا، ش ۵۲، ۲۰۴، ۱۷۳ و ۱۲۲؛ همو، ۱۳۸۱ق، ص ۳۵۲ و ۳۸۶)

بسیاری از این تألیفات در زمره کهن‌ترین آثار در موضوع خود هستند مثلاً متقدم‌ترین نگاشته اخلاقی یعنی کتاب *الزهد* یحیی بن محمد بن غلیم کلبی (م ح ۱۴۸ق) (رجائی فرد، ۱۳۹۵ش، ص ۷۹) را ابن ابی عمیر (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۱۱۸۸) در زمینه علوم قرآن کهن‌ترین اثر در ناسخ و منسوخ (رجائی فرد، ۱۳۹۵ش، ص ۲۸) را محمد بن عیسی بن عبید (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۵۶۶) و در عرصه ادعیه و زیارات دو نگاشته معاویه بن عمار دهنی (م ۱۷۵ق) به مثابه قدیمی‌ترین گونه‌های کتاب دعا و

زیارت (رجائی فرد، ۱۳۹۵ش، ص ۶۱ و ۷۰) را ابن ابی عمیر نقل کرده‌اند. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۷۳۷)

و سرانجام باید اشاره کرد که تألیفات انتقال یافته از طریق عالمان حوزه بغداد، طیفی گسترده از آثار فقهی، کلامی، علوم قرآنی و تفسیری، اخلاقی و ادعیه‌ای را شامل می‌شود. از جمله آثار فقهی می‌توان به کتاب الصلاة، کتاب الزکاة، کتاب الصیام حریر بن عبدالله سجستانی (طوسی، بی تا، ش ۲۴۹)، کتابی مبوب در حلال و حرام از مسعدة بن زیاد (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۱۱۰۹) و کتاب مبوب رفاعة بن موسی نخّاس در فرائض (همان، ش ۴۳۸) اشاره کرد. در میان تراث کلامی می‌توان از آثار حسین بن نعیم صحاف، کتاب فی الاستطاعة والجبر زرارة بن اعین (همان، ش ۴۶۳) و اصول الشرائع منصور بن حازم (همان، ش ۱۱۰۱) نام برد. در سایر موضوعات، کتاب التفسیر هشام بن سالم و علی بن حمزه بطائنی و کتاب الناسخ والمنسوخ عبدالله بن عبدالرحمن أصم (همان، ش ۱۱۶۵، ۶۵۶ و ۵۶۶) در کنار کتاب الزهد معن بن عبدالسلام (همان، ش ۱۱۴۳) و کتاب یوم و لیلة، کتاب الدعاء و کتاب مزار أمير المؤمنين عليه السلام معاویة بن عمار (همان، ش ۱۰۹۶؛ طوسی، بی تا، ش ۷۳۷) شایان ذکرند.

۶. نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان می‌دهد مرجعیت یافتن حوزه حدیثی بغداد در سده چهارم و پنجم امری دفعی نبود، بلکه متکی بود به پشتوانه علمی این حوزه در عرصه‌های مختلف که طی یک روند تدریجی تا انتهای قرن سوم تداوم داشت. پیشینه حرکت علمی عالمان بغداد به عصر صادقین عليهم السلام بازمی‌گردد. عالمان محله کرخ، نخستین اندیشه‌وران بغدادی بودند که اغلب با هجرت به مدینه و بهره‌مندی مستقیم از محضر ائمه عليهم السلام به جایگاهی دست یافتند که در هجرت دیگر خود به کوفه، مرکز علمی آن روزگار، اقبال بزرگان این حوزه را که اغلب از اصحاب اجماع بودند، به خود جلب کردند. فعالیت جمعی از این عالمان که تا دوران تأسیس بغداد ادامه داشت و نیز هجرت گروهی از کوفیان به بغداد در این دوران، به دلیل فقدان ظرفیت علمی لازم و وجود فضای شدید امنیتی عصر منصور، امکان تأسیس حوزه حدیثی را در این برهه سلب کرد.

حوزه حدیثی شیعیان در بغداد از شکل‌گیری تا انتهای سده سوم سه مرحله را

پشت سر گذارد. مرحله نخست (عصر مهاجران) به دنبال تعدیل شرایط سیاسی در عهد مهدی عباسی، با هجرت مؤثر جمعی از عالمان کوفه به بغداد - که تربیت شاگردان و تألیف آثار از نشانه‌های آن است - حوزه بغداد بر پایه‌های فکری عالمان برجسته کوفه بنیان گذارده شد. در این مرحله، حوزه بغداد شاهد حضور و فعالیت حداکثری عالمان کوفه و قلت عالمان بومی بغداد بود. اما مرحله دوم (عصر بومیان) شکوفایی حوزه بغداد به دست اغلب عالمان بومی بغداد و با بهره‌گیری از شرایط سیاسی بازتر - در برهه‌ای از این عصر - رقم خورد. اگرچه تغییر اوضاع سیاسی به شرایط خفقان‌زای عصر متوکل نیز نتوانست روند رو به رشد حوزه بغداد را متوقف سازد که حضور عالمان پرشمار، تداوم هجرت‌های علمی به بغداد و وجود مکاتبات متعدد امامین عسکریین با عالمان و شیعیان بغداد نشانگر آن بود. تنوع جغرافیایی و گستردگی هجرت‌ها از دیگر مراکز علمی شیعه به بغداد، تألیف آثار متعدد و تربیت نیروی انسانی از ویژگی‌های بارز این دوران بود. در مرحله سوم (عصر غیبت صغری) انتخاب بغداد به‌عنوان مرکز حضور نواب حضرت حجت علیه السلام، تحرکات علمی عالمان بغدادی و تداوم رحله‌های علمی به این دیار از استمرار خط سیر صعودی حوزه بغداد با وجود تحیر و تلاطم‌های عقیدتی این دوران خبر می‌دهد. این سه مرحله نشان داد که وجود یک روند تدریجی تعالی بغداد را در سده چهارم و پنجم هجری به کانون و قطب علمی شیعه مبدل کرد.

عملکرد حوزه بغداد در سه عرصه علم‌آموزی، تألیف آثار علمی و انتقال میراث مکتوب گذشتگان ظهور و بروز یافت. در عرصه نخست حوزه بغداد در دو بازه زمانی قرن دوم و سوم، دو نمای متفاوت از علم‌آموزی را تجربه کرد. دانش‌اندوزی فعال بومیانی چون یونس بن عبدالرحمن و ابن ابی عمیر، حضور کثیر علم‌آموزان کوفی - به سبب قرب مکانی و مرکزیت علمی کوفه در آن روزگار - در قیاس با دیگر مهاجران اندک ولی مؤثر سایر مراکز علمی و تفاوت‌های محافل درسی مشایخ بغداد از حیث جغرافیای علم‌آموزان شرکت‌کننده در آن، نمای نخست علم‌آموزی حوزه بغداد در قرن دوم بود. پرورش یافتن نسل سوم از اساتید حوزه بغداد از میان گروهی از بومیان و مهاجران، تغییر در روند علم‌آموزی با کاهش رحله‌های علمی عالمان مکتب کوفه به بغداد و تحدید دایره علم‌آموزان به حوزه‌های حدیثی ایران، و حضور و فعالیت گسترده

مشایخ حوزه قم در بغداد که انتقال حجم گسترده‌ای از دیدگاه‌های بزرگان بغداد را سبب شد، نمای ثانوی حوزه بغداد در عرصه علم آموزی سده سوم بود. در عرصه دوم، تألیفات اندک علوم قرآن و تفسیر، پرتألیفی در زمینه ادعیه‌نگاری، جامع‌نگاری‌های متعدد تاریخ‌زندگانی ائمه، جامع‌نگاری‌های فقهی و پیش‌قراولی در برخی تک‌نگاری‌های فقهی و تمرکز بر مباحث توحید و امامت در زمینه مباحث کلامی عمده فعالیت تألیفی عالمان حوزه بغداد بود. انتقال حجم فراوانی از اصول روایی و کتاب‌های متعدد در زمینه‌های فقهی، کلامی، قرآنی و... و نقل برخی از آثار سده نخست هجری در کنار روایت کهن‌ترین آثار تألیفی در موضوعات مختلف، آن‌هم از مؤلفانی که اغلب در زمره ثقات و بزرگان شیعه بودند و آثارشان با اقبال گسترده عالمان همراه بود، گویای نقش مهم حوزه بغداد در انتقال میراث گذشتگان است.

پی‌نوشت‌ها

۱. در محله باب الکوفه بزرگانی از شیعه نیز دفن هستند؛ همچون محمد بن عثمان بن سعید عمّری، نائب دوم حضرت حجت علیه السلام «قبره بغداد عند والدته فی شارع باب الکوفه» (قمی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۶۷-۲۶۸) و محمد بن یعقوب کلینی صاحب *الکافی* «توفی... ببغداد و دفن بیاب الکوفه فی مقبرتها». (طوسی، بی‌تا، ش ۶۰۳؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۱۰۲۶) همچنین فقیهی چون عبدالله بن محمد دعلجی نیز در منطقه‌ای نزدیک به باب الکوفه بغداد، به نام «دعالمجة» سکونت داشت. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۶۰۹)

۲. در منابع روایی نقلی از یحیی بن حجاج از امام کاظم علیه السلام وجود ندارد؛ ولی از آنجا که برادرش خالد بن حجاج محضر آن امام را درک نموده (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۱۵) و یحیی راوی اکثر روایات اوست، می‌توان فهمید که وی در دوران آن امام حضور داشته است.

۳. از قاسم بن عروه به استناد عبارت کشی «مولی اَبی‌ایوب الخوزی وزیر اَبی‌جعفر المنصور» به‌عنوان وزیر منصور عباسی یاد شده است (موسوی تنیانی، ۱۳۹۴ش، ص ۱۴۲) که رجوع به کتب تاریخی و رجالی مصحح دیدگاه فوق و مبین این مطلب است که منظور از وزیر منصور عباسی در عبارت کشی، ابو ایوب خوزی است نه قاسم بن عروه. (نک: یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۸۹؛ همدانی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۹۱؛ مازندرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۲۲۵؛ شوشتری، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۴۷۸-۴۸۰)

ذکر این نکته لازم است که علاوه بر شیعیان مهاجر، در میان شیعیان بومی بغداد نیز شخصیتی چون فضل بن سلیمان کاتب در دیوان خراج منصور و مهدی حضور داشت. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ش ۸۳۵)

منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین، الکامل، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۵ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۳. ———، کمال الدین و تمام النعمة، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ق.
۴. ———، التوحید، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ق.
۵. ———، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، معالم العلماء، قم: بی نا، بی تا.
۷. ابن غضائری، احمد بن حسین، رجال ابن الغضائری، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴ش.
۸. ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، أخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر، قاهره: دار احیاء الکتب العربی، ۱۹۶۰م.
۹. احمد، منیرالدین، نهاد آموزش اسلامی، ترجمه محمدحسین ساکت، تهران: نشر نگاه معاصر، ۱۳۸۴ش.
۱۰. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
۱۱. برقی، احمد بن محمد، رجال البرقی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ق.
۱۲. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، تحقیق عبدالعزیز الدوری، بیروت: جمعية المستشرقین الألمانية، ۱۳۹۸ق.
۱۳. پاکچی، احمد، «حوزه های کم شناخته و متقدم حدیث و معارف امامیه در عراق، شام و مصر»، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، شماره ۵۲، ۱۳۹۱ش، ص ۱۲۵-۱۶۶.
۱۴. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۱ش.
۱۵. تقضلی، عباس علی و رحیم پور ازغدی، طاهره، «بررسی حوزه حدیثی شیعه بغداد در سه سده نخستین»، تاریخ، شماره ۱۳، ۱۳۸۸ش، ص ۷-۲۴.
۱۶. حسین، جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، ترجمه سید محمدتقی آیت اللهی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۵ش.
۱۷. جعفریان، رسول، حیات فکری سیاسی امامان شیعه علیهم السلام، تهران: نشر علم، ۱۳۹۰ش.
۱۸. ———، منابع تاریخ اسلام، تهران: نشر علم، ۱۳۹۳ش.
۱۹. حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم الادبا، قم: دار الفکر، ۱۴۰۰ق.
۲۰. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
۲۱. خوبی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، قم: مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ق.
۲۲. رجایی فرد، ابوالفضل، تحلیل حوزه های مختلف میراث مکتوب شیعه در پنج قرن نخست بر اساس دو فهرست نجاشی و شیخ طوسی، کارشناسی ارشد، علوم قرآن و حدیث، علوم انسانی، تربیت مدرس، استاد راهنما: نصرت نیل ساز، ۱۳۹۵ش.

۲۳. زرین کوب، عبدالحسین، *کارنامه اسلام*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۷ش.
۲۴. شوشتری، محمدتقی، *قاموس الرجال*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۲۵. طباطبایی، محمدکاظم، *تاریخ حدیث شیعه*، قم: دار الحدیث، ۱۳۹۰ق.
۲۶. طبسی، محمدجعفر، *رجال الشیعة فی أسانید السنة*، مؤسسة المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۰ق.
۲۷. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الأمم والملوک*، بیروت: دار التراث، ۱۳۸۷ق.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن، *المهرست*، نجف: مکتبه المرتضویه، بی تا.
۲۹. —، *رجال الطوسی*، نجف: انتشارات حیدریه، ۱۳۸۱ق.
۳۰. —، *اختیار معرفة الرجال*، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
۳۱. —، *الغیبه*، قم: دار المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۳۲. —، *تهذیب الاحکام*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۳. —، *الاستبصار*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق.
۳۴. قمی، عباس، *الکنی واللقاب*، تهران: مکتبه الصدر، بی تا.
۳۵. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، قم: دار الکتب، ۱۴۰۴ق.
۳۶. کشی، محمد بن عمر، *رجال کشی*، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۸. کورانی عاملی، علی، *الامام کاظم علیه السلام سید البغداد*، بی جا: بی تا، ۱۴۳۱ق.
۳۹. مازندرانی، محمد بن اسماعیل، *منتهی المقال فی احوال الرجال*، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۱۶ق.
۴۰. مسعودی، علی بن حسین، *اثبات الوصیه*، قم: انصاریان، ۱۴۲۶ق.
۴۱. معارف، مجید، *پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه*، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری ضریح، ۱۳۷۴ش.
۴۲. مکی، محمدکاظم، *تمدن اسلامی در عصر عباسیان*، ترجمه محمد سپهری، تهران: سمت، ۱۳۸۳ش.
۴۳. موسوی، حسن، *زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱ش.
۴۴. موسوی تینانی، اکبر، «مدرسه حدیثی امامیه در بغداد در عصر حضور»، *علوم حدیث*، شماره ۷۶، ۱۳۹۴ش، ص ۱۳۷-۱۵۹.
۴۵. نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ق.
۴۶. نریمانی، زهره و فیروزمندی، جعفر، «تعامل مکتب حدیثی بغداد و ری»، *علوم حدیث*، شماره ۴۴، ۱۳۸۶ش، ص ۱۲۷-۱۳۹.
۴۷. نیل ساز، نصرت و رجایی فرد، ابوالفضل، «نحوه اعتبارسنجی حوزه‌های حدیثی شیعه؛ مطالعه موردی: حوزه حدیثی بغداد»، در دست نشر.
۴۸. همدانی، احمد بن محمد بن اسحاق، *البلدان*، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۶ق.
۴۹. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، بیروت: دار صادر، بی تا.